

## کتاب امامت و سیاست

محمد نوری

انتشار ترجمه فارسی کتاب *الامامة و السياسة* در ایران فرصتی به دست داد تا نگاهی به این اثر بیفکنیم. در دو دهه گذشته اخبار گوناگونی از ترجمه این کتاب می‌رسید تا اینکه سرانجام این ترجمه پا به بازار کتاب نهاد. ترجمه مورد نظر توسط سید ناصر طباطبایی و از روی چاپ قاهره، نشر مصطفی البانی الحلبی انجام یافته است.<sup>۱</sup> نویسنده این مقاله پس از ارائه زندگینامه کوتاهی از ابن قتیبه، به معضل انتساب این اثر به ابن قتیبه می‌پردازد. در واقع موضوع این مقاله، بررسی تطبیقی داوریه‌ها و نظرات در مورد نویسنده آن است. نویسنده کوشیده است تا مطالب پیشین را به صورت خلاصه و گویا عرضه کند و به تحلیل آخرین آراء در این زمینه بپردازد. وی به تفصیل وارد مباحث نمی‌شود. از آنجا که این مقاله در واقع آخرین اظهار نظر در باره نویسنده *الامامة و السياسة* محسوب می‌شود، خواننده نیز برای درک کامل آن باید لزوماً نسبت به داوریه‌ها و نظرات پیشین وقوف داشته باشد.

کتاب *الامامة و السياسة* منسوب به ابو محمد عبد الله بن مسلم دینوری معروف به ابن قتیبه (۲۱۳ - ۲۷۶ ق / ۸۲۸ - ۸۸۹ م) نویسنده و دانشمند بزرگ عصر عباسی است. در میان قداما، کسانی همچون ابن ندیم در *الفهرست* در باره زندگینامه و تألیفات ابن قتیبه قلم زده‌اند. در دوره جدید نیز مقالات و کتابهای زیادی در این زمینه نگاشته شده است که از آن جمله می‌توان به دو مقاله بلند بروکلیمان و آذرنوش<sup>۲</sup> اشاره کرد. نقل است که ابوبکر ابن انباری (درگذشته به سال ۳۰۴ ق / ۹۱۶ م) کتاب مستقلی با عنوان *رسالة المشکل* در رد ابن قتیبه و ابو حاتم سجستانی تألیف کرد.

برجستگی ابن قتیبه در وسعت اطلاعات و دانش او در ادبیات عرب، حدیث، قرآن، کلام، فقه و تاریخ بود. وی در این زمینه‌ها آثاری از خود به یادگار نهاده است.<sup>۲</sup> دو ویژگی مهم دیگر او عبارت‌اند از: یکی مبارزه او با جهمیه و معتزله و رویکرد به حدیث‌گرایی و نص‌گرایی<sup>۳</sup> و دوم همکاری با خلافت عباسیان، به طوری که از سوی وزیر متوکل به منصب قضاوت دینور منصوب شد. شاید بتوان ویژگی دیگر او یعنی مبارزه با شعوبی‌گری را در راستای نزدیکی او به خلافت عباسی تبیین کرد. به همین دلیل با اینکه خود ایرانی بود، در چند اثر به توجیه برتری عرب بر عجم و ایرانیان پرداخت.<sup>۴</sup>

کتاب *الامامة و السياسة* که با عنوان *تاریخ الخلفاء* هم خوانده شده، در مایه تاریخ‌نگاری سیاسی اسلام از دوره خلافت ابوبکر تا خلافت هارون الرشید و کشته شدن امین است. اصل این کتاب به زبان عربی و دارای چاپ‌های متفاوت است. گویا اولین چاپ مربوط به دو سده پیش، یعنی در قاهره به سال ۱۳۲۲ ق است.<sup>۵</sup> خلیل المنصور آن را تصحیح کرد و سال ۱۹۹۷ م در بیروت به دست چاپ سپرد. علی شیری تصحیح دیگری روی آن انجام داده است که چند مرتبه چاپ شده و از جمله در ایران توسط انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۱ / ۱۴۱۳ ق منتشر گردیده است.

متن کتاب *الامامة و السياسة*، صرف نظر از نویسنده آن، دارای ارزش تاریخی و علمی و از منابع اولیه در زمینه رخداد‌های سه قرن اول است. این مطلب، بسیاری را به کاوش و تفحص در باره نویسنده آن وا داشته است. در اینکه نویسنده آن ابن قتیبه نیست، اکثر پژوهشگران بویژه در دوره جدید اتفاق نظر و اجماع رأی دارند. اما همواره سه سؤال مطرح بوده است:

۱. نویسنده واقعی آن کیست؟
۲. چرا و به چه دلیل ابن قتیبه نویسنده آن نیست؟
۳. چه کسی آن را به ابن قتیبه نسبت داده است؟

مترجم ترجمه حاضر، فقط در دو صفحه به ابن قتیبه پرداخته و وقتی در شمار کتاب‌های او به *الامامة و السياسة* می‌رسد تنها به ذکر عبارت «منسوب به وی» اکتفا می‌کند. حال آنکه سزاوار بود در پاسخ به سؤالات سه‌گانه مزبور، مطالبی را برای خوانندگان ایرانی کتاب یادآور می‌شد. روی جلد و در صفحه عنوان هم، منسوب بودن کتاب به ابن قتیبه قید نشده است. خلیل المنصور، مصحح این اثر نیز در مقدمه هیچ اشاره‌ای به انتساب این اثر به ابن قتیبه ندارد. او صرفاً این عبارت را آورده است: کتاب *الامامة و السياسة* للعالم الفاضل المورخ العظيم عبد الله بن مسلم بن قتیبه الدینوری.<sup>۶</sup> این عبارت می‌رساند که نویسنده این کتاب قطعاً ابن قتیبه است.

ابن ندیم اولین کسی است که نسبتاً به تفصیل، به زندگانی ابن قتیبه پرداخته و کتاب‌های او را فهرست کرده است. اما در بین کتاب‌های ابن قتیبه، اشاره‌ای به *الامامة و السياسة* ندارد.<sup>۷</sup> کتاب‌های ابن قتیبه را از ۳۴ تا سید عنوان شمرده‌اند.<sup>۸</sup> آذرنوش به پیروی از لوکنت، کتاب‌های ابن قتیبه را به هفت دسته تقسیم کرده است: (۱) کتاب‌هایی که در انتسابشان به ابن قتیبه تردید نیست و همگی چاپ شده‌اند مانند *عیون الاخبار*؛ (۲) کتاب‌هایی که تردیدی در انتسابشان به ابن قتیبه وجود ندارد ولی هنوز

چاپ نشده‌اند؛ ۳) کتابهایی که یا از دست رفته‌اند یا نسبتشان به ابن قتیبه مشکوک است؛ ۴) کتابهایی که ممکن است موجود باشند و روزی کشف شوند؛ ۵) کتابهایی که غیر از نامشان، هیچ چیز در باره آنها نمی‌دانیم؛ ۶) عناوینی که بر عناوین معروف دیگر منطبق‌اند یا بر جزئی از کتابی اطلاق شده‌اند؛ ۷) کتابهایی که انتسابشان به ابن قتیبه قطعاً یا به احتمال قوی مردود است. آذرنوش بدون آنکه به دلایل خود اشاره کند، کتاب *الامامة و السياسة* را در زمره نوع هفتم می‌شمارد.<sup>۱۱</sup> او مطلب خود را به کتاب لوکنت ارجاع می‌دهد.

جبوری دلیل مخالفان انتساب این کتاب، یعنی دلایل کسانی را که می‌گویند *الامامة و السياسة* قطعاً از ابن قتیبه نیست، گردآوری و در چهار محور تحلیل کرده است:

۱. در متن کتاب به نام بانویی اشاره دارد و از او نقل کرده است. بانوی یاد شده شاهد فتح اندلس در سال ۹۲ ق بوده است با اینکه تولد ابن قتیبه در ۲۱۳ ق است.

۲. در متن کتاب، عباراتی از ابو لیلی نقل شده است، در حالی که او در سال ۱۴۸ ق در کوفه قاضی بوده است و این با سال حیات ابن قتیبه سازگاری ندارد.

۳. در نوشته‌های قدما نامی از ابن اثر نیست.

۴. خود ابن قتیبه در آثار دیگرش از آن نامی نبرده است.<sup>۱۲</sup>

ثروت عکاشه، محمد اسکندرانی، علی شیری و رسول جعفریان چند دلیل دیگر ارائه داده‌اند که آنها را نیز در ادامه دلایل پیشین می‌آوریم:

۵. در متن آمده است که مؤلف در دمشق بوده در حالی که ابن قتیبه از بغداد جز به دینور نرفته است.

۶. مؤلف از حمله موسی بن نصیر به مراکش یاد می‌کند. این شهر را یوسف بن تاشفین در ۴۵۴ ساخته و این مطلب با توجه به وفات ابن قتیبه در ۲۷۶ ق سازگار نیست.

۷. نثر و اسلوب کتاب *الامامة و السياسة* با بقیه کتابهای ابن قتیبه سازگاری ندارد.<sup>۱۳</sup>

اما پیش از این پژوهشگران و خاورشناسان بر عدم انتساب این کتاب به ابن قتیبه پای فشرده‌اند و همین دلایل را در آثار خود برای اولین مرتبه به تفصیل بیان کرده‌اند. اولین مستشرقی که تألیف این اثر توسط ابن قتیبه را محال دانست گاینگوس از خاورشناسان اسپانیایی بود. او پژوهشی در باره تاریخ *اسلام* داشت و ۱۶۰ سال پیش کتابی در این زمینه منتشر کرد. یکی از مباحث او انتساب *الامامة و السياسة* به ابن قتیبه است.<sup>۱۴</sup>

حدود چهل سال پس از او، دوزی تحقیقاتش را دنبال کرد و دلایل گاینگوس را تقویت نمود.<sup>۱۵</sup> بعد از دوزی، بروکلمان در مقاله ابن قتیبه در *دائرة المعارف اسلام* چاپ لیدن، موضوع انتساب آن را به بحث کشید. البته بروکلمان از پژوهشهای دی‌گویه هم استفاده کرده است.<sup>۱۶</sup> در این میان نباید پژوهشهای لوکنت را فراموش کرد. او کتابی در باره ابن قتیبه نوشت که در ۱۹۶۵ منتشر شد.<sup>۱۶</sup>

اسحق موسی حسینی کتابی به انگلیسی در باره ابن قتیبه نگاشت. وی نزاع بر سر انتساب کتاب را

به سده هفتم انتقال داد و مدعی شد اولین کسی که در نسبت این اثر تشکیک روا داشت ابوبکر محمد معافری از دانشمندان سده هفتم قمری است.<sup>۱۷</sup>

از سوی دیگر کسانی همچون جبرائیل جبور در ادله هفت‌گانه پیشین که مخالفان انتساب آورده‌اند، تشکیک کرده‌اند. جبور در مورد دلیل اول می‌نویسد: ممکن است نام برخی از افراد سند، ساقط شده باشد. وی این مطلب را نیز به عنوان مؤید سخن خود آورده است که: در نسخه‌هایی از کتاب *الامامة و السياسة*، عبارت «ذکروا» وجود دارد.

جبور همین رد را در مورد دلیل دوم هم آورده است. وی می‌گوید واسطه‌های بین ابن قتیبه و ابن ابی لیلی حذف شده است یا اینکه ابن قتیبه عمداً مطالب خود را به صورت مرسل (بدون ذکر سلسله راویان) آورده است. وی (جبور) استناد به ابن ابی لیلی و نقل از او در کتاب *عیون الاخبار* را تأییدی بر رویه ابن قتیبه مبنی بر نقل مستقیم و بدون واسطه او از ابن ابی لیلی می‌گیرد. در مورد دلیل پنجم می‌نویسد: من کتاب *الامامة و السياسة* را دو مرتبه خواندم ولی هیچ اشاره صریحی مبنی بر اقامت مؤلف در دمشق نیافتم. به نظر می‌رسد گاینگوس در فهم متن اشتباه کرده است.

جبور دلیل ششم را هم نمی‌پذیرد چون در چاپ ۱۳۳۱، نام «مراکش» نیامده و فقط «مغرب» ذکر شده است. در واقع گاینگوس قلمرو حکومت موسی بن نصیر را آفریقه و غیر آفریقای غربی یعنی مغرب می‌داند. از این رو در متن به جای مغرب، مراکش را آورده است.<sup>۱۸</sup> ادله دیگر را هم قابل نقد می‌داند.<sup>۱۹</sup> به اعتقاد وی می‌توان به ادله محکم‌تری استناد کرد و نسبت این اثر به ابن قتیبه را منتفی دانست. مثلاً ابن قتیبه به تاریخ خلفای عباسی می‌پردازد در حالی که این خلفا پس از حیات ابن قتیبه بوده‌اند. ابن قتیبه معمولاً به مطالب کتابهای دیگرش اشاره دارد، ولی در *الامامة و السياسة* این رویه معمول نیست.<sup>۲۰</sup>

هر چند جبور به ادله هفت‌گانه گاینگوس و پیروان او نقدهای جدی وارد می‌کند ولی با آنها در یک نکته اشتراک نظر دارد و آن اینکه به هر حال *الامامة و السياسة* از ابن قتیبه نیست.

در پاسخ به سؤال دوم بروکلیمان، از قول دی‌گویه، این اثر را از نویسنده‌ای مصری یا مغربی و معاصر ابن قتیبه می‌داند.<sup>۲۱</sup> وی نتوانسته است هویت و نام نویسنده را شناسایی کند و آن را آشکار نساخته است.

در تحلیل اینکه چرا نویسنده اصلی، نام خود را ذکر نکرده یا به جای نام خود، نام ابن قتیبه را گذاشته است، اینچنین اظهار نظر کرده‌اند:

ابن قتیبه شخصیتی مشهور در جهان اسلام بود و مؤلف از این شهرت برای نشر آراء خود استفاده برده است.<sup>۲۲</sup>

اسحاق حسینی این فرضیه را پیش کشیده که ممکن است فصل یا فصلهایی از ابن قتیبه در این کتاب موجود باشد و به دلیل شهرت ابن قتیبه بعدها تمامی این اثر به نام او خوانده شده باشد.<sup>۲۳</sup>

در زمانی که تلاشهای فراوان گاینگوس برای یافتن مؤلف، قرین توفیق نبود، جبور ادعا کرد که نویسنده واقعی را یافته است. وی داستان این کشف را این گونه بیان می‌کند:

پانزده سال پیش که به متن کتاب *الذخیره فی محاسن اهل الجزیره* این بسام مشغول بودم، گزارشهایی در مورد ابن حزم از جمله فهرستی از کتابهایش را در آن دیدم. در بین آنها عنوان کتاب *الامامة و السياسة* بود. این امر، نظر مرا تقویت کرد. چون قبلاً حدس می‌زدم که نویسنده *الامامة و السياسة* باید متفکری اندلسی باشد. بعداً با مطالعه بیشتر، به یقین رسیدم که ابن حزم نویسنده آن است.<sup>۲۳</sup>

نظریه جبور متکی به دلایل متعددی از نص کتاب و هماهنگی آن با آثار ابن حزم و نیز قراین تاریخی است.<sup>۲۵</sup> خلاصه این دلایل عبارت‌اند از:

۱. در متن کتاب، نکاتی علیه عراقی‌ها در زمان خلافت عباسی وجود دارد. این اولاً نشان دهنده عراقی نبودن نویسنده و ثانیاً حیات در دوره متأخر از ابن قتیبه است به طوری که خلافت ابن خلفا را درک کرده است.

۲. تعرض به صحابه و ائمه پیشین با مشرب ابن قتیبه سازگار نیست ولی با مرام ابن حزم سازگار است.

۳. گرایش به شیعه و ضدیت با امویان که در متن هست نشانگر مشرب ابن حزم است نه ابن قتیبه.

۴. نویسنده مفصلاً به فتوحات اندلس و مغرب پرداخته ولی به فتح سوریه، مصر، عراق و هند اشاره‌ای ندارد. این گویای اهتمام و عنایت نویسنده و علاقه او به منطقه مغرب و اندلس است.

۵. مشرب ابن عبد ربه و حتی برخی عبارات او در کتاب *المقد الفرید* شبیه به نصوص *الامامة و السياسة* است. گویا ابن حزم و ابن عبد ربه، هر دو از مدائنی اقتباس کرده‌اند.<sup>۲۶</sup>

به هر حال جبور معتقد است که اشاره ابن بسام به ابن حزم به عنوان نویسنده *الامامة و السياسة* و عدم اشاره به کتابی با این عنوان برای ابن قتیبه، مؤید خوبی است که این اثر از ابن حزم است.<sup>۲۷</sup>

محمد یوسف نجم در مقاله دیگری، به نقد دلایل جبور پرداخت. نجم ادعای جبور را مبتنی بر مطلبی دانست که در کتاب *الذخیره* ابن بسام آمده است، در حالی که به اعتقاد او معجم *الادباء* که سی سال پیش از *الذخیره* چاپ شده همین مطلب را دارد.<sup>۲۸</sup> تعجب نجم از این است که با اینکه ابن عربی معاصر ابن حزم بوده و او را به خوبی می‌شناخته، چرا *الامامة و السياسة* را به ابن حزم نسبت نداده و به ابن قتیبه نسبت داده است؟ وی این نکته را نقضی بر ادعای جبور می‌داند.

همچنین نجم بر این باور است که در حادثه کتابسوزی ابن حزم (۳۹۳-۳۹۴) که در یک دوره کوتاه یعنی حدود دو سال رخ داد و مربوط به قلمرو محدود جغرافیایی خاصی بود، همه آثار ابن حزم از بین نرفت. ابن حزم در دوره حیاتش مشهورتر از ابن قتیبه بوده و پس از مرگ مکتب ظاهری شیوع فراوان داشته است. از این رو مردم و نسخه‌سازان کتاب، اقبال فراوانی به نشر کتابهای ابن حزم داشتند. پس این فرضیه که اهل کتاب از ترس و با اسم دیگری مثل ابن قتیبه کتابهای او را خرید و فروش می‌کردند، درست نمی‌نماید.<sup>۲۹</sup>

به هر حال نجم به تفصیل به دلایل جبور پرداخته و آنها را نقد و رد کرده است. البته نتیجه‌گیری پایانی او این است که کتاب *الامامة و السياسة* همان گونه که انتسابش به ابن قتیبه مشکل است، نسبت آن به ابن حزم هم صحیح نیست.

پس از اظهار نظر نجم در مقاله خود، مجدداً جبرائیل جبور در مقاله بلندی (در ۱۶ صفحه) به نقادی نظر نجم پرداخت و بر نظریه خود یعنی انتساب *الامامة و السياسة* به ابن حزم پافشاری نمود.<sup>۳۰</sup> وی در پایان این مقاله توصیه می‌کند که این اثر مهم توسط پژوهشگران متخصص و با مطالعه همه نسخه‌های خطی تصحیح گردد، چون متن آن در موارد بسیاری مشوش است. حتی کتابهای دیگر که تشابه عبارتی و متنی با این اثر دارند مانند برخی از صفحات *عقد القرید* ابن عبد ربه باید مورد ملاحظه قرار گیرد تا نتیجه نهایی به دست آید. در *الامامة و السياسة* نقل قول‌های فراوان از جاحظ، مدائنی، هیثم بن عدی و ابن قتیبه هست که مصحح باید آنها را به درستی و بر اساس روشهای علمی عیارسنجی کند. به هر حال پس از تصحیح جامع و کامل است که بسیاری از مشکلات این اثر از جمله انتساب آن مرتفع می‌شود.

در مورد اولین کسی که این اثر را به ابن قتیبه نسبت داده، نیز اختلاف است. گاهی او را ابوبکر بن العربی (در گذشته به سال ۵۴۳) در کتابش *العواصم من القواصم* (ص ۲۴۵ و ۲۴۸) دانسته‌اند.<sup>۳۱</sup> ولی شیری از ابو عبد الله التوزی معروف به ابن شباط در کتابش *صلة السمط* به عنوان اولین فردی که این اثر را به ابن قتیبه نسبت داده، یاد می‌کند.<sup>۳۲</sup> قاضی ابو بکر بن عربی در دو جا از کتابش با هدف دفاع از اصحاب به کتاب *الامامة و السياسة* تاخته است. در مورد اول (ص ۲۴۵) نامی از کتاب نیاورده و به نقل سخن ابن قتیبه بسنده کرده است ولی در مورد دوم (ص ۲۴۸) به عنوان *الامامة و السياسة* که از ابن قتیبه است، تصریح دارد.<sup>۳۳</sup> البته ابن خطیب محقق کتاب در پاورقی، این انتساب ابوبکر بن عربی را خطا می‌داند.

جبرائیل جبور که *الامامة و السياسة* را اثر ابن حزم می‌داند، علت نسبت دادن این اثر به ابن قتیبه را به شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن روزگار مربوط می‌داند. فقیهان به طرد ابن حزم و نقادی آراء او پرداختند و حتی کتابهای او را سوزاندند. از سوی دیگر ابن قتیبه در بین آنها خوشنام بود. از این رو طبیعی بود که تاجران کتاب، *الامامة و السياسة* را برای رونق بازار فروش به نام ابن

قتیبیه جا بزنند<sup>۳۴</sup>، یا اینکه عده‌ای به منظور حفظ کتاب و جلوگیری از نابودی آن چنین نسبتی را رواج دهند<sup>۳۵</sup>.

از لا به لای پژوهشها از گذشته تا کنون پنج نظریه در مورد انتساب کتاب به ابن قتیبه به دست می‌آید:

۱. از ابن قتیبه است.
  ۲. بخشهایی از آن، نوشته ابن قتیبه است.
  ۳. از ابن حزم است.
  ۴. از دانشمند مغربی یا مصری است.
  ۵. از ابن قتیبه نیست ولی نمی‌دانیم از کیست.
- امید است در تحقیقات جدیدتر راز این معما گشوده شود.

در پایان گفتنی است که الامامة و السياسة از متون بسیار مهم در تاریخ نگاری و اندیشه سیاسی مسلمانان است و ترجمه فارسی آن را باید به فال نیک گرفت هر چند جای یک مقدمه تحلیلی حاوی تاریخچه، اهمیت و محتوای این اثر در آن خالی است تا خوانندگان فارسی زبان با بینش بهتر و با کوشش افزون‌تری از مطالب این کتاب استقبال کنند. البته در این مقاله فقط به یکی از ابعاد این اثر یعنی مسئله انتساب آن به ابن قتیبه پرداختیم. شایسته است دیگر پژوهشگران به جنبه‌ها و ابعاد دیگر آن از جمله میزان اتقان برگردان فارسی این اثر اهتمام بورزند.

#### پی‌نوشتها:

۱. مشخصات چاپی: تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.
۲. مقاله بروکلان در دائرة المعارف اسلام (لیدن) و مقاله آذرتاش آذرنوش در دائرة المعارف بزرگ اسلامی منتشر شده است.
۳. نگاه کنید به «دراسة فی کتب ابن قتیبه»، عبد الله الجوری؛ *آداب المستنصرية*، ش ۲ (۱۹۷۷ م)، ص ۱۰۵ - ۱۳۲ و ش ۳ (۱۹۷۸ م)، ص ۲۲۳ - ۲۵۰.
۴. تحلیل دیدگاههای کلامی ابن قتیبه در کتاب مع ابن قتیبه فی العقيدة الإسلامية، کاظم حطیط (بیروت، الشركة العالمية للكتاب، ۱۹۹۰) آمده است.
۵. تا کنون تحلیلهای زیادی در باره دیدگاههای ابن قتیبه در عرصه شعوبی گری و ضد شعوبی گری منتشر شده است از جمله نگاه کنید به: ابن قتیبه و الشعوبية، عبد الله الجوری، بغداد، ۱۹۹۰ م.
۶. نگاه کنید به مقاله ابن قتیبه نوشته بروکلان در دائرة المعارف اسلام، چاپ لیدن؛ نیز معجم المطبوعات العربية و للعربية، یوسف الیان سرکیس، قم، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۱۲.
۷. الامامة و السياسة، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۹۹۷ م، ص ۳.
۸. الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، ۱۹۷۳ م، ص ۸۵-۸۶.
۹. «کتاب الامامة و السياسة»، جبرائیل جبور، الأبحاث، سال سیزدهم، شماره ۳ (۱۹۶۰)، ص ۲۸۴.
۱۰. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۴۵۸-۴۵۹.
۱۱. «دراسة فی کتب ابن قتیبه»، عبد الله الجوری، مجلة آداب المستنصرية، ش ۳ (۱۹۷۸ م)، ص ۲۴۵.

١٢. مقدمه كتاب *عيون الاخبار*، ابن قتيبه، تحقيق محمد اسكندراني، بيروت، ١٩٩٧ م، ج ١، ص ٢٥؛ مقدمه كتاب *المعارف*، ابن قتيبه، تحقيق ثروت عكاشه، ص ٥٩؛ *منابع تاريخ اسلام*، رسول جعفریان، قم، ١٣٧٦، ص ١٤٠؛ مقدمه كتاب *الإمامة و السياسة*، تحقيق على شيرى، ص ٨.
13. *The History of the Mohammedan Dynasties in Spain*, 2 Vols., Pascual De Gayangos, London, 1840-1843.
14. *Reserches Sur l'Histoire et la Litterature de l'Espagne Pendant le Moyen Age*, R. Dozy, Leyden, 1881, Vol. 1, P. 21-28.
١٥. ابن تحقيقات با اين مشخصات منتشر شده است: De Goeje, *Riveu Studis of Oriental*, Vol.1, P. 415-421.
16. *Ibn Qutayba*, Gerard Lecomte, Damas, 1965, P. 175-176.
١٧. نگاه كنيد به مقاله « كتاب الإمامة و السياسة » جبرائيل جيور، ص ٢٨٦؛ كتاب حسيني توسط هاشم ياغي به عربى ترجمه شده است و اين مطلب در صفحه ٧٨ أن أمده است ( مشخصات جايى اين ترجمه بدين قرار است: ابن قتيبه، بيروت، المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ١٩٨٠ م).
١٨. « كتاب الإمامة و السياسة »، جبرائيل جيور، ص ٣٨٨-٣٨٩.
١٩. همان.
٢٠. همان.
٢١. نك: *دائرة المعارف اسلام*، مقاله « ابن قتيبه ».
٢٢. ابن قتيبه، اسحق موسى حسيني، ص ٧٨.
٢٣. همان، ص ٧٩.
٢٤. « كتاب الامامة و السياسة »، جبرائيل جيور، ص ٣٩٠.
٢٥. همان.
٢٦. « كتاب الإمامة و السياسة »، جبرائيل جيور، ص ٣٩٠-٣٩٥.
٢٧. همان،
٢٨. همان، ص ٣٩٤.
٢٩. « كتاب الإمامة و السياسة »، محمد يوسف نجم، *الأبحاث*، سال چهاردهم، ش (١٩٦١)، ص ١٢٢.
٣٠. همان، ص ١٢٣. « كتاب الإمامة و السياسة »، جبرائيل جيور، *مجلة الأبحاث*، سال چهاردهم، ش ٢، ص ٣٢٦-٣٤١.
٣١. « كتاب الإمامة و السياسة »، جبرائيل جيور، *مجلة الأبحاث*، سال چهاردهم، ش ٢، ص ٣٢٦-٣٤١. « الإمامة و السياسة »، جبرائيل جيور، ص ٣٩٢-٣٩٣.
٣٢. « الإمامة و السياسة »، جبرائيل جيور، ص ٣٩٢-٣٩٣.
٣٣. « دراسة فى كتب ابن قتيبه »، عبد الله الجورى، ص ٢٤٦؛ مقاله كتاب الإمامة و السياسة، جبرائيل جيور، ص ٣٨٧.
٣٤. *المواصم من القواصم فى تحقيق مواقف الصحابة*، القاضي ابى بكر بن العربي، تحقيق محب الدين الخطيب، بيروت ١٩٨٦ م.
٣٥. « الإمامة و السياسة »، جبرائيل جيور، ص ٣٩٢-٣٩٣.